

# میم آخر، میم غیر آخر

نریا گرجی دیز آبدی  
راهبر آموزشی تربیتی، قائم شهر



یکی از روزهای زیبای پاییز بود؛ فصل بهار دانش و اندیشه. زیبایی و تنوع رنگ‌های پاییز به همراه تنوع یادگیری و تفاوت‌های فردی کودکان شوق تغییر را در من ایجاد می‌کرد. با این خیالات شورانگیز به طرف دبستانی چندپایه رهسپار شدم؛ مدرسه‌ای باصفا و طبیعتی زیبا. با استقبال گرم دانش‌آموزان و معلمان روبه‌رو و بعد از مراسم صبحگاه، وارد کلاس پایه‌ی اول شدم. نخست، با دانش‌آموزان ارتباطی صمیمی برقرار کردم. مدیرآموزگار قصد داشت نشانه‌ی «م» را تدریس کند. می‌گفت: «نمی‌دانم چرا بچه‌ها یاد نمی‌گیرند؟! خیلی بازیگوش هستند.» او همچنین گفت اصلاً سابقه‌ی تدریس در پایه‌ی اول را ندارد و از این رو مشکلات زیادی دارد. با سنجش اجمالی دریافتیم اکثر دانش‌آموزان در شناخت نشانه‌ها و همچنین ترکیب صداها مشکل دارند.

از آموزگار خواستم تدریس کند. با کمال میل پذیرفت و شروع به تدریس کرد. من مطالبی را یادداشت کردم. نظارت بالینی دو زنگ پی‌درپی ادامه یافت. بعد از کلاس بعضی از نکته‌های تدریس خوب را به او یادآوری کردم که در اینجا هم به آن‌ها اشاره می‌کنم:

۱. استفاده‌ی مناسب از رسانه‌ی آموزشی؛
  ۲. توجه به اهمیت و نیاز جدول نشانه و جدول دوستی؛
  ۳. ایجاد روح و نشاط لازمی که دانش‌آموز را به فعالیت وادارد؛
  ۴. درگیر کردن حواس پنج‌گانه‌ی دانش‌آموز به موضوع و ایجاد یکپارچگی بین حواس، به گونه‌ای که حتی حس عمقی را نیز درگیر کند.
- مدیرآموزگار با اشتیاق گوش می‌سپرد و یادداشت برمی‌داشت. یادآور شدم، توجه به تقویت مهارت‌های چهارگانه‌ی زبان‌آموزی (گوش کردن، سخن‌گفتن، خواندن و نوشتن) اهمیت بسزایی دارد. شوق تغییر در نگاهش مشهود بود. قرار شد من هم همان نشانه را تدریس کنم. با مقوا شکل «م» و سایر نشانه‌ها را در سایه‌های متعدد بردیم و جدول حروف الفبا و جدول دوستی (ترکیب صامت و مصوت) را با کمک هم در دفتر دبستان درست کردیم. لوح تصویر بزرگ و تصویرک‌های خاک‌خورده در کمد کمک‌آموزشی را بیرون آوردیم و به کلاس بردیم. در ابتدا به کمک بچه‌ها و با مقوا یک صورتک خرگوش درست کردیم. تدریس را از زبان آقا خرگوشه، در حضور معلم، شروع کردم. بچه‌ها از خنده ریسه می‌رفتند. با دادن تصویرهای کوچک نشانه‌ی میم آخر و غیر آخر به گروه‌ها ایجاد انگیزه کردم و با نصب تصویر بزرگی که معرف نهاد مدرسه بود، روی تخته، بچه‌ها درباره‌ی مقررات مدرسه، رعایت بهداشت فردی و اجتماعی، احترام به اولیای مدرسه و حقوق هم‌کلاسی سخن گفتند. نشانه‌ی «م» را پس از معرفی به دیوار چسباندیم و بچه‌ها در گروه‌های بازی و مسابقه، روی سینی نمک با انگشت حرف «م» را نوشتند یا با خمیر بازی آن را ایجاد کردند. همچنین با چشم بسته و روی هوا نوشتن «م» را تمرین کردند.
- در فرصتی دیگر، شکل نشانه‌ی «م» را درشت نوشتیم و از گروه‌ها



خاتم گرجی از تجربه‌اش می‌گوید



خواستیم دور نشانه را قیچی کنند. برای اینکه تمام حواس (عمقی، شنوایی، بینایی، لامسه، بویایی و چشایی) دانش‌آموزان را درگیر کنیم، از چند نوع رسانه برای آموزش استفاده کردیم. همچنین، شعر نشانه‌ی «م» و شعر ترکیب صداها با حرف «م» را به صورت همگانی خواندیم. در آخر برای نشانه‌ی «م» در جدول الفبا جشن تولد گرفتیم و با دست و جیب و هورا شعر تولد خواندیم و نشانه‌ی «م» در جدول الفبا رونمایی شد.

معلم با خط زیبایی خود نشانه‌ی «م» را روی تخته نوشت و سگان یادگیری را به دست گرفت و مسافران کوچک را به ساحل رساند. جلسه‌ی ارتقای صلاحیت حرفه‌ای مدیرآموزگار با طعم شیرین نظارت بالینی به پایان رسید.

در این سفر آموزشی، شوق یادگیری را در چشمان معصومانه‌ی کودکان و در نگاه دلسوزانه‌ی مدیرآموزگار احساس کردم و این لبخند رضایت را در وجود نشاندم. بنده به‌عنوان راهبر آموزشی تربیتی، تجربه‌هایی از معلمان موفق را به همکار عزیز منتقل کردم و ایشان هم مرتب در تدریس‌های بعدی با من در ارتباط بود. در بازدیدهای بعدی پیشرفت بچه‌ها مثال‌زدنی بود. مشاهده‌ی این موفقیت یکی از لذت‌بخش‌ترین لحظه‌های هنر معلمی من بود.



تجربه‌ها بیان را برای مجله بفرستید



آموزشی  
ابتدایی

دی‌ماه

دوره‌ی بیست و پنجم  
شماره‌ی ۱۴۰۰/۴

۲۳